

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نسیم حیات

تفسیر قرآن کریم

جزء ۲۸

ابو الفضل بہرام پور



نام کتاب : تفسیر نسیم حیات جزء ۲۸

مؤلف : ابوالفضل بهرام پور

ناشر : آواي قرآن

تعداد : ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۶

چاپ : نكین قم

شابک : ۰۹-۰۹-۲۵۹۹-۹۶۲

دوره ای : ۹-۰-۹۲۰۶۸-۹۶۲

قیمت : ۱۸۰۰ تومان

مرکز پخش : نشر سبیحان

میدان امام حسین (ع) ، خیابان خواجه نصیر طوسی ، کوچه شهید داستانیور

پلاک ۳۳/۲ - تلفن : ۷۷۵۳۹۳۴۶ - ۷۷۶۴۴۱۸۳ ، فاکس : ۷۷۶۳۹۳۱۹

فهرست مطالب مهم

۱۰	شرح حال حضرت مسلم و طفلان صغیرش
۱۴	وجوب نماز جمعه در قرآن
۱۶	وجوب جمعه در سنت و حدیث
۱۸	اینک یک تحلیل اجمالی از وجوب نماز جمعه
۲۰	از وظایف امام جمعه
۲۰	نظریهٔ اعلام فقها در وجوب جمعه
۲۱	خلاصه‌ای از احکام نماز جمعه
۲۶	معرفی سورهٔ مجادله
۲۷	مجادله / ۱ - ۴
۳۳	کفر اعتقادی و کفر عملی
۳۵	مجادله / ۵ - ۷
۳۹	خدا همه‌جا هست، آیا تعبیر درستی است؟
۴۱	مجادله / ۸ - ۱۰
۴۳	نجوای حرام از شیطان است
۴۹	مجادله / ۱۱ - ۱۳
۵۱	آداب حضور در مجالس
۵۲	ثواب‌ها به تناسب اعمال است
۵۵	چرا حکم صدقه به زودی نسخ شد
۵۷	مجادله / ۱۴ - ۱۹
۵۸	توطئهٔ منافقان
۶۲	مجادله / ۲۰ - ۲۲
۶۴	محبت خدا و دشمنان خدا قابل جمع نیست
۶۸	معرفی سورهٔ حشر
۶۹	حشر / ۱ - ۳

۷۶	حشر / ۵ - ۷
۷۸	غنایم بدون جنگ و فتنه نام دارد
۸۰	مصرف غنایم فتنه
۸۳	حشر / ۸ - ۱۰
۸۷	معنا و مفهوم شح نفس
۸۸	تابعین چه کسانی هستند؟
۸۹	داشتن فضیلت یک چیز است و حفظ آن تا مرگ چیز دیگر
۹۱	حشر / ۱۱ - ۱۴
۹۶	حشر / ۱۵ - ۲۰
۱۰۲	حشر / ۲۱ - ۲۳
۱۰۳	نفوذ قرآن در دل‌های آماده
۱۰۴	امر و نهی تکوینی چیست؟
۱۰۶	یک لطیفه گویی علمی
۱۰۶	رحمن با رحیم چه تفاوتی دارد؟
۱۰۹	مطلق بودن صفات با توحید عجین است
۱۰۹	علم مطلق و بی نهایت، و علم نسبی
۱۱۰	اسم و صفت‌های خدا
۱۱۲	معرفی سورة ممتحنه
۱۱۳	ممتحنه / ۱ - ۳
۱۱۶	طرح دوستی با دشمنان خدا
۱۱۹	ممتحنه / ۴ - ۵
۱۲۰	چرا ابراهیم علیهِ السلام الگوست؟
۱۲۶	ممتحنه / ۷ - ۹
۱۳۰	ممتحنه / ۱۰ - ۱۱
۱۳۴	ازدواج با این زنان چگونه است؟
۱۳۴	صورت عکس قضیه، ایمان آوردن شوهر است

۱۳۵	موضوع عدۀ این زنان
۱۳۵	حکم زنانی که از اسلام به کفر وارد می شوند
۱۳۷	ممتحنه / ۱۲ - ۱۳
۱۳۸	شرایط بیعت زنان مهاجر
۱۳۹	خلاصۀ مواد پیمان و بیعت زنان
۱۴۰	چرا فقط زنان به این شرایط عمل کنند؟
۱۴۱	به مجرمان احکام اسلامی، علت حکم باید تفهیم شود
۱۴۲	با افراد مغضوب خدا قطع رابطه کنید
۱۴۴	معرفی سورۀ صف
۱۴۵	صف / ۱ - ۴
۱۴۷	یک پیشنهاد به واعظان
۱۴۹	کشورهای اسلامی و این آیه
۱۵۰	صف / ۵ - ۶
۱۵۵	چرا نام او در آسمان ها احمد است؟
۱۵۷	صف / ۷ - ۹
۱۵۸	عاقبت کار مخالفان دین
۱۶۲	صف / ۱۰ - ۱۳
۱۶۶	صف / ۱۴
۱۶۷	یاوران خدا باشید
۱۷۰	معرفی سورۀ جمعه
۱۷۰	یک معرفی اجمالی از این سوره
۱۷۳	جمعه / ۱ - ۴
۱۷۶	یک بحث علمی در معرفت الله
۱۷۸	همۀ محدودها و نسبی ها متکی به غیرند
۱۸۱	آیا تعلیم مقدم است یا تزکیه؟
۱۸۱	فرق کتاب حکمت

۱۸۱	تعریف کلی حکمت و حکیم
۱۸۲	یک خاطره از حکمت و جهل
۱۸۴	شاید پیامبر ﷺ به انقلاب ایران اشاره کرده
۱۸۷	فضل الهی شامل غیر نبوت و قرآن نیز می شود
۱۸۹	جمعه / ۵ - ۸
۱۹۰	قرآن را بر دوش می کشید یا در دل می نهید؟
۱۹۴	جمعه / ۹ - ۱۱
۱۹۶	نخستین نماز جمعه
۱۹۷	حفظ حال و هوای ذکر الله
۱۹۹	اهمیت نماز جمعه
۲۰۰	برداشت ها و نکاتی که از این آیات بدست می آید
۲۰۳	تفاوت دو «ذکر» در این آیه
۲۰۴	تاریخچه مختصر نفاق
۲۰۵	جنگ اخذ
۲۰۷	جنگ بنی المصطلق
۲۰۸	موضوع مسجد ضرار
۲۱۰	به امر پیامبر خانه تیمی منافقان به آتش کشیده می شود
۲۱۰	توطئه منافقان در جنگ تبوک
۲۰۴	معرفی سوره منافقین
۲۱۴	منافقین / ۱ - ۳
۲۱۵	تاریخ پیدایش نفاق و منافق
۲۲۰	به راستی منظره ایمان را تماشا کن!
۲۲۵	منافقین / ۲ - ۶
۲۲۹	مردم سه دسته اند و امان از دسته سوم!
۲۳۱	داستان قرآن بر نیزه کردن
۲۳۷	منافقین / ۷ - ۸

- ۲۴۱ یک تعریف ریشه‌ای از عزت و ذلت
 ۲۴۳ تواضع غیر از تملُّق است
 ۲۴۵ مناقین / ۹ - ۱۱
 ۲۴۶ دنیا شما را از غافلین نکند
 ۲۴۶ علاقه به خانواده و اموال چه حکمی دارد؟
 ۲۴۷ عشق به دنیا خلِّو قلب از ذکر الله است
 ۲۵۰ اگر خدا انسان را از مرگ بازگرداند چه می‌شود؟
 ۲۵۲ نفاق بر دو گونه است
 ۲۵۳ معرفی سوره تغابن
 ۲۵۴ تغابن / ۱ - ۶
 ۲۵۷ زیبارویان دلبر
 ۲۶۱ تغابن / ۷ - ۱۰
 ۲۶۲ شک نکنید که برانگیخته خواهید شد
 ۲۶۳ روز قیامت، روز ظاهر شدن خسارت‌هاست
 ۲۶۶ تغابن / ۱۱ - ۱۵
 ۲۶۷ مصائب از کجا پدید می‌آید؟
 ۲۶۹ خداوند چرایی مصیبت را الهام می‌کند
 ۲۶۹ غدیر خم‌های مکرر
 ۲۷۱ یا همه را قبول کنید و یا همه را منکر شوید
 ۲۷۲ با اموال و فرزندان امتحان می‌شوید
 ۲۷۳ ضلّه رحم چه می‌شود؟
 ۲۷۵ امتحان تا قیامت دائم است
 ۲۷۶ رسول خدا بر منبر
 ۲۷۷ تغابن / ۱۶ - ۱۸
 ۲۸۱ معرفی سوره طلاق
 ۲۸۲ طلاق / ۱

۲۸۳	کلیات احکام طلاق
۲۸۵	منفورترین حلال ها
۲۸۷	طلاق / ۲ - ۲
۲۹۰	مفهوم توکل چیست؟
۲۹۴	حکم طلاق زنان یائسه
۲۹۶	طلاق / ۵ - ۷
۲۹۸	حقوق زنان در حال عده و بعد از آن
۲۹۹	حقوق زنان شیرده
۳۰۰	مسلمانی که بر خلاف حکم قرآن عمل می کند
۳۰۲	طلاق / ۸ - ۱۱
۳۰۷	طلاق / ۱۲
۳۰۸	هفت آسمان و هفت زمین
۳۱۱	مفهوم «هدف ما کسب معرفت انسان است» چیست؟
۳۱۲	معرفی سوره تحریم
۳۱۳	تحریم / ۱ - ۳
۳۱۵	سرزنش قرآن برخی از همسران پیامبر ﷺ را
۳۱۶	شکستن سوگند دو گونه است
۳۱۸	تحریم / ۲ - ۷
۳۲۰	شما چگونه زنی انتخاب می کنید
۳۲۲	خانواده خود را از آتش حفظ کنید
۳۲۴	تحریم / ۸ - ۹
۳۲۵	توبه نصوح
۳۲۷	شدت عمل با کفار و منافقان
۳۲۸	تحریم / ۱۰ - ۱۲

شرح حال حضرت مسلم و طفلان صغیرش

وقتی دعوت نامه‌های اهل کوفه به امام حسین علیه السلام رسید، او حضرت مسلم علیه السلام را به عنوان نماینده خود روانه کوفه نمود تا پاسخ نامه آن حضرت را به کوفیان برساند. او حسب الامر امام، نیمه رمضان از مکه خارج شد و پنجم شوال وارد کوفه گردید. مسلم در مسیر راه به مدینه رفت و مزار پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کرد و با عشیره و خانواده خود وداع گفت. او دو نفر را به عنوان راهنما همراه کرد. آنها راه را گم کردند و آبی که با خود داشتند تمام شد و هلاک شدند، ولی حضرت مسلم خود را به قریه مضیق رساند و از آنجا نامه‌ای در بیان اوضاع خود و استعفا از سفر کوفه برای امام حسین نوشت. حضرت استعفا را نپذیرفت و او را امر به رفتن کوفه نمود. لذا مسلم به تعجیل راهی کوفه شد و در خانه مختار اقامت گزید و مردم به دیدار او آمدند. در میان جماعت عده زیادی از جمله عباس و حبیب بن مظاهر برخاستند و اعلام حمایت و همکاری کردند و دیگران نیز تأیید نمودند و هیجده هزار نفر با او بیعت کردند.

مسلم به امام علیه السلام نوشت تعداد زیادی به بیعت شما درآمده‌اند، لذا زمینه برای آمدن شما مناسب است.

نعمان بن بشیر والی کوفه مردم را برحذر داشت ولی آنها گوش ندادند تا اینکه چند نفری موضوع را به یزید خبر دادند. وی عبیدالله بن زیاد را از بصره والی کوفه کرد. او به طرف کوفه روانه گردید و در تاریکی شب با عمامه سیاه و نقاب وارد کوفه شد و مردم گمان کردند امام حسین علیه السلام آمده است، فردای آن روز عبیدالله رؤسای قبایل و مردم را تهدید به مرگ و مصادره اموال نمود و عرصه را بر مسلم و حامیان او تنگ کرد و اوضاع چنان شد که آن حضرت مجبور شد خود را مخفی کند و در خانه هانی پناه گیرد.

عبیدالله جاسوسانی را گماشت تا محل اختفای او را کشف کردند. به هر صورت هانی را به نزد ابن زیاد بردند که چرا به مسلم که در برابر یزید ایستاده پناه داده‌ای؟ پس باید او را تحویل ما بدهی وگرنه کشته می‌شوی. هانی گفت من هرگز مسلم را که مهمان من و نماینده فرزند رسول خداست تحویل تو نمی‌دهم هر چند کشته شوم. عبیدالله با چوبی که در دست داشت بر او ضرباتی وارد کرد که از بینی او خون جاری شد و در شهر شایع کردند که هانی را کشته‌اند.

قبیله او با شمشیرهای آخته دارالاماره را محاصره کردند. او شریح قاضی را سوی مردم فرستاد تا بگوید هانی زنده است و بدین ترتیب آنها متفرق شدند. چون خبر هانی به مسلم رسید مردم را بسیج کرد و قصر را محاصره کردند. ابن زیاد چند نفر از سران قبایل را فرا خواند از جمله قعقاع، شبث بن ربعی و شمربن ذی الجوشن، و پرچمی به آنها داد تا به مردم بگویند هر کس زیر این پرچم قرار بگیرد از مجازات عبیدالله در امانند و عده‌ای هم مردم را از آمدن سپاه شام ترساندند، لذا این مردم بی‌هدف و سست ایمان بیعت خود را از حضرت مسلم پس گرفتند و به خانه‌های خود رفتند.

قابل توجه است که از عباس جدلی روایت کرده‌اند که می‌گفت ما چهار هزار نفر بودیم که با مسلم بن عقیل برای دفاع از او به سوی دارالاماره می‌رفتیم ما هنوز به آنجا نرسیده بودیم که جمعیت به سیصد نفر تقلیل یافت، یعنی مردم با این سرعت، دور مسلم را خالی کردند و کار به جایی رسید که زن‌ها می‌آمدند و دست فرزندان و برادران خود را می‌گرفتند و به خانه می‌بردند تا اینکه نماز مغرب شد و از آن همه انبوه جماعت بیعت کننده با آن حضرت جز سی نفر در نماز او شرکت نکردند و وقتی از مسجد بیرون آمد تنها ده نفر با او باقی ماندند و آنها هم او را تنها گذاشتند و او

غریبانه و متحیر در کوچه‌های کوفه می‌گردید و نمی‌دانست کجا برود تا اینکه به در خانه طوعه رسید و به او سلام کرد و فرمود: «یا أَمَّةَ اللَّهِ اسْقِنِي مَاءً» ای بانوا مرا جرعه آبی بده! و او آبی آورد و او نوشید و طوعه ظرف آب را به خانه برد. بعد به در خانه برگشت و دید آن حضرت به کنار در نشسته است، گفت مگر تو آب ننوشیدی؟ فرمود: بلی. آنگاه فرمود: آیا ممکن است به من پناه دهی عرضه داشت: ماجرای تو چیست؟ فرمود من مسلم بن عقیل هستم و این مردم ما را فریب دادند. طوعه او را به خانه خود برد. ابن زیاد به وسیله جاسوسان خود جایگاه آن حضرت را محاصره و بعد از درگیری او را به اسارت گرفتند و ظالمانه شهید کردند. مسلم وقتی دریافت که مأموران ابن زیاد خانه طوعه را محاصره کرده‌اند، گفت: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. به طوعه گفت تو نیکی نمودی و از شفاعت پیامبر نصیب یافتی. من دیشب عمویم امیرالمؤمنین را در خواب دیدم که به من فرمود: فردا پیش ما خواهی بود.

دو طفلان مسلم، محمد و ابراهیم علیهما السلام

گفته‌اند آن حضرت دارای پنج فرزند بود که سه نفر آنها در کاروان امام حسین علیه السلام بودند. یک دختر ۱۳ ساله و دو طفل پسر به نام محمد و ابراهیم. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام آنها به اسارت درآمدند. وقتی ابن زیاد از وجود دو طفلان مسلم در میان اسرا مطلع شد دستور داد آن دو طفل را زندانی کردند. پس از یک سال زندانی شدن، در نهایت به شهادت رسیدند.

ابن زیاد به زندانبان گفت: بر این‌ها سخت‌گیری کن. پیرمرد زندانبان شب‌ها دو قرص نان با کوزه آبی برایشان می‌آورد. آنها روز را روزه می‌گرفتند. بعد از یک سال یکی از آن دو برادر گفت: ما خود را به این زندانبان معرفی کنیم. برادر کوچک به او گفت: آیا تو محمد صلی الله علیه و آله را می‌شناسی، گفت: او پیامبر من است، آیا جعفر بن ابی طالب

را می‌شناسی؟ گفت: آری خدا به او دو بال خواهد داد که در بهشت طیران کند. گفت: آیا علی بن ابیطالب را می‌شناسی گفت چگونه نشناسم که او پسر عم پیامبر ﷺ است. در اینجا بود که گفتند: ای شیخ! ما از عترت پیامبر تو هستیم. اینجا بود که وی به قدم‌های آنها افتاد و گفت: در زندان به روی شما باز است. بیرون بروید و آنها را تا محل امنی راهنمایی کرد و گفت با احتیاط بروید. آنها بعد از مدتی به در خانه پیره‌زنی رسیدند که شب فرار رسیده بود. از او پناه خواستند و خود را معرفی نمودند. او گفت: من داماد فاسقی دارم که در لشکر کربلا حضور داشت من از او بر شما خائفم. گفتند: ما هنگام صبح خواهیم رفت. شب هنگام داماد او حارث آمد و گفت: شدیداً خسته‌ام زیرا دو طفل زندانی ابن زیاد فرار کرده‌اند و برای آوردن سر آنها جایزه تعیین شده است و من در پی یافتن آنها خسته شده‌ام.

پاسی از شب گذشت و در این میان او به وجود دو مهمان مشکوک پی برد و معلوم شد فراری‌ها در این خانه هستند. آنها را دستگیر کرد و در کنار فرات سر از تنشان جدا کرد و به تضرع و التماس این کودکان رحم نیاورد و سرهای مبارک را نزد ابن زیاد آورد.

قابل توجه این است که ابن زیاد گفت: آیا وقتی خواستی آنها را بکشی به تو چیزی نگفتند، گفت: آری نفرینم کردند که «خدا یا بین ما و این آدم به حق داوری کن» وی هم دستور داد کیست که حارث را ببرد و در همان مقتل کودکان او را به قتل رساند. یک شامی این مأموریت را به عهده گرفت. ^(۱) درود خدا و سلام ما بر آنها باد.

پیشگفتار

به مناسبت وجود سورة جمعه در این جزء، مناسب است که درباره نماز جمعه مختصر گفتاری داشته باشیم.

وجوب نماز جمعه در قرآن

دسته‌ای از قوانین اجتماعی و انقلابی و ارزش‌های موجود در اسلام از قبیل بیعت، هجرت، جهاد، جمعه احکامی هستند که عظمت و قدرت مسلمانان به آنها بستگی دارد.

با قیام مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) این احکام و ارزش‌ها احیا گردید، بیعت با امام، جهاد و جنگ به صورت وسیع و نماز جمعه زنده شد، چه زنده شدنی که تمامی پیروزی‌های ما و عظمت مردم مسلمان ایران در چشم جهانیان از عمل به این قوانین نشأت گرفت. از جمله احکام فراموش شده در جامعه تشیع ما نماز سیاسی مذهبی جمعه بود.

انسان وقتی به کتاب و سنت نبوی و روایات ائمه اطهار مراجعه می‌کند می‌بیند که به وجوب آن تصریح شده است.

مساجد جامعی که در شهرهای ایران دیده می‌شود نیز گواه این هستند که در گذشته سیره مسلمان بر اقامه این نماز جاری بوده است. در حکمت تشریع این نماز به نقش مؤثر و سازنده دو خطبه توجه می‌شود. زیرا در دو خطبه‌ای که امام جمعه موظف است هر هفته در برابر انبوه نمازگزاران القا کند در آن اوضاع عمومی مسلمانان جهان را مطرح می‌کند و جبهه مسلمانان با مخالفان اسلام و خطوط حرکت‌های مختلف را معرفی می‌کند. و لذا روی استماع خطبه‌ها تأکید فراوانی شده که ما از بحار الانوار سه روایت نقل می‌کنیم:

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود وقتی که امام برای ایراد خطبه قیام کرد بر مردم سکوت واجب می‌گردد. (۱)

۲ - مَنْ تَكَلَّمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ فَهُوَ كَالْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا وَالَّذِي يَقُولُ لَهُ أَنْصِتْ لَا جُمُعَةَ لَهُ: کسی که در حال خطبه امام حرف بزند او مثل حمار است که کُتَب را بار می‌کشد و کسی که به او بگوید ساکت باش جمعه ندارد. (۲)

۳ - وقتی که روز جمعه می‌شود بر در مسجد فرشتگانی می‌ایستند و نام واردین برای نماز را به ترتیب در صفحه‌ای می‌نویسند و وقتی امام شروع به خطبه کرد ملائکه صحیفه را جمع کرده جهت استماع ذکر خدا جلو می‌آیند. (۳)

در این نماز، اجتماع عظیم جمعه به چشم می‌آید و بر هیچ منصفی پوشیده نیست که ترک این نماز بزرگ به‌ویژه در این دوران تثبیت انقلاب اسلامی، به سود ایادی استعمار و دشمنان اسلام است و کمکی به جبهه کفر و نفاق.

وجوب نماز جمعه در متن قرآن کریم و سنت و احادیث چیزی نیست که نیازی به استدلال باشد. این قرآن کریم است که در سوره جمعه که تفسیر مفضل آن بعداً خواهد آمد چنین می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ: ای اهل ایمان! وقتی که برای نماز جمعه ندا داده شود پس به سوی ذکر خدا بشتابید و معامله را رها کنید. این کار برای شما بهتر است اگر «سودش را» بدانید.

قابل توجه این است که در قرآن کریم برای هیچ یک از نمازهای واجب شبانه‌روزی این همه اصرار و تأکید نشده است:

اولاً: قرآن امر کرده تا مؤمنین به سوی نماز جمعه شتاب کرده و ترک معامله نمایند و امر خدا و رسول بر چیزی تعلق می‌گیرد که ترک آن کیفر دارد به دلیل آیه **فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**: پس کسانی که با امر او مخالفت می‌ورزند باید بترسند که فتنه‌ای یا عذابی دردناک به ایشان برسد. (نور / ۶۳)

ثانیاً: قرآن مؤمنان را بر شتافتن به سوی نماز جمعه در هنگام شنیدن اذانش فرمان داده است، در صورتی که نسبت به نمازهای واجب شبانه‌روزی چنین امری نداده.

ثالثاً: قرآن کریم هر گونه خرید و فروش را هنگام اذان جمعه نهی فرموده در حالی که برای هیچ نمازی این قید را نیاورده است.

وجوب جمعه در سنت و حدیث

علاوه بر قرآن مجید احادیث معتبر و متعددی در وجوب نماز جمعه به ما رسیده است که شیعه و سنی در نقل آن اتفاق دارند و ما به ذکر پاره‌ای آثار نبوی از کتب معتبر شیعی می‌پردازیم:

شیخ زین‌الدین شهید ثانی در رساله «الجمعه» و شیخ حرّ عاملی در «وسائل الشیعه» آورده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود:

خدای تبارک و تعالی نماز جمعه را بر شما واجب گردانید، پس هر کس که در حال حیات من یا پس از من این نماز را سبک بگیرد یا انکارش کند و به این جهت آنرا ترک نماید خداوند پراکندگی امور و پریشانی‌های او را برطرف نخواهد کرد و در کارش برکت نخواهد نهاد، آگاه باش که برای چنین آدمی نماز و زکوة و حجّی نیست، آگاه باش هیچ عمل نیکی برای او نیست تا اینکه توبه کند.

و نیز شیخ محمد بن جمال الدّین مکی معروف به شهید اول در کتاب «الذکری» و

شهید ثانی در رساله «الجمعه» آورده‌اند که رسول خدا فرمودند:

نماز جمعه بر هر مسلمانی حق واجب است مگر بر چهار کس: بنده مملوک، زن، کودک، بیمار.

همچنین علامه حلی در کتاب التذکره و محقق در کتاب المعتمر و ابن فهد در کتاب المذهب آورده‌اند که رسول خدا فرمودند:

نماز جمعه برای شما به عنوان فریضه واجب مقرر شد تا روز قیامت.

و نیز محقق در کتاب «المعتمر» آورده است که رسول خدا فرمودند:

نماز جمعه بر هر مسلمانی واجب است در جماعت.

همچنین شهید ثانی در رساله «الجمعه» و شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه و

مجلسی در بحار آورده‌اند که رسول خدا فرمود:

مردمی که نمازهای جمعه را ترک می‌کنند یا باید از این کار خودداری نمایند و یا

حتماً بر دل‌هایشان مهر زده می‌شود یعنی از ایشان سلب توفیق می‌گردد، سپس از غافلین خواهند شد.

شیخ مفید در کتاب «المقنعه» آورده است که پیامبر اسلام فرمود:

کسی که بدون علت و عذر شرعی سه بار نماز جمعه را ترک کند خدا بر دل او مهر

می‌زند یعنی از او سلب توفیق می‌شود. رسول اکرم فرمود:

نماز جمعه حج فقرا است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: تا می‌توانی روز جمعه مسافرت نکن تا به نماز جمعه

دست بیایی.

از امام باقر علیه السلام: نماز جمعه واجب و اجتماع در آن با امام عادل واجب است. پس

هر کس که سه جمعه را ترک کند پس سه فریضه را ترک کرده است و سه فریضه را

بدون عذر و علت ترک نمی‌کند مگر منافق. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: جمعه واجب است بر کسی که بر دو فرسخ باشد زمانی که امام، عادل باشد. (۲)

اینک یک تحلیل اجمالی از وجوب نماز جمعه

ممکن است گفته شود نماز جمعه فقط در زمانی که امام معصوم حضور دارد بر مسلمانان واجب می‌شود. این امر به این خاطر است که نماز جمعه به دست خلفا و حکومت‌های جور و ظلم نیفتد. حال اگر حکومت اسلامی تشکیل داده شد ما حق نداریم حکم مطلق قرآنی را تعطیل کنیم.

احکام دیگر اسلام مانند: حکومت، قضاوت، اجرای حدود، اخذ وجوهات اسلام و جهاد نیز همین‌طورند و نباید تعطیل شوند، حتی در غیبت امام معصوم. ممکن است گفته شود: اگر ما در زمان غیبت امام معصوم نماز جمعه را بپا داریم نماز تحریف می‌شود، زیرا مثلاً: در زمان شاه یا در پاره‌ای کشورهای اسلامی نخواهند گذاشت نماز جمعه آن‌طوری که تشریع شده اقامه شود و نخواهند گذاشت در دو خطبه نماز آنچه لازم است گفته شود؛ پس بنابراین ترک نماز جمعه ناقص مقرون به مصلحت است.

جواب آن است که: اگر ما مسلمانان با این طرز برداشت‌ها با احکام اسلام برخورد کنیم خیلی از احکام حیات بخش را باید ترک کنیم. حالا ممکن است پیگانگان ما را متهم به خشونت کنند، پس نباید دست سارق قطع شود. ما موظف هستیم حکومت اسلامی تشکیل دهیم طبیعی است که حکومت‌های وقت اجازه نمی‌داده‌اند ما

چنین کارهایی نکنیم. ما اگر به دلیل وجود مانع مجاز به ترک قیام بودیم نمی توانستیم این همه انقلاب با عظمت اسلامی ایران را که دارد به جهان سوم صدور می یابد پدید بیاوریم. اگر در طول تاریخ اسلام نماز جمعه برپا می شد و مسلمانان از دادن شهید هم نمی ترسیدند، انقلاب فعلی زودتر از اینها به ثمر رسیده بود و زمینه ظهور امام عصر هم زودتر فراهم می شد و چه بسا ما الآن در حضور او خدمتگزار می بودیم. قیام برای ایجاد حکومت اسلامی خیلی سخت تر و خطرناک تر از اقامه نماز جمعه بود و به همان دلیل که نماز جمعه را ترک می کردیم و به حضور امام معصوم علیه السلام محول می نمودیم باید می ماندیم تا حضرت خودش می آمد و حکومت را تشکیل می داد و ما بر سر سفره حاضر می نشستیم. ولی امام امت تعطیل این فریضه را حرام دانست و با علم به این همه شهید دادن و خسارت مالی، حکم به قیام داد و مردم ما قیام کردند و حکومت اسلامی هم تشکیل دادند و اگر امام این انقلاب را پدید نیاورده بود اسلامی باقی نمی ماند.

اگر در روایاتی از قول امام معصوم می شنویم که فرمود أَلْجُمُعَةُ لَنَا: نماز جمعه از آن ما است، به معنی این نیست که در غیبت امام نباید این نماز را اقامه کرد بلکه منظور این بود که مردم در آن زمان با وجود امام معصوم به نمازهای خلفای بنی امیه حاضر می شدند و معلوم است که آنها نمازها را از مسیر اصلی آن که احیای سنت های اصیل اسلام و براندازی کفر در سطح جهان و ادامه راه پیامبر و علی علیه السلام است، منحرف کرده و در جهت تقویت حکومت سلطنتی خود به کار می گرفتند. لذا می فرمودند: که این نماز شایسته ما است و از آن ما است و ما باید آن را برگزاور کنیم این سخن را می فرمودند تا مردم با حضور در نمازهای خلفای جور و ستم حکومت های ظلم را تأیید نکنند.

از وظایف امام جمعه

علاوه بر تمام شرایطی که یک امام جماعت عادی باید داشته باشد، بر امام لازم است که بایان قاطع و آگاهی کامل از اوضاع و احوال جاری و از آن چه بر مسلمانان در اقطار جهان می‌گذرد مطلع باشد و مصالح اسلام و مسلمانان را بداند. در اظهار حق و ابطال ناحق از ملامت و جوسازی مخالفان ملاحظه‌ای نداشته باشد و اعمالش موافق موعظه و تهدید و ترغیبش بوده و در همه این حرکات اخلاص را فراموش نکند.

لازم است امام در خطبه‌ها امر به تقوا نماید و مصالح دنیوی و اخروی مسلمانان را بیان کند. از اخبار مسلمانان در جهان که مربوط به سر نوشت آنها می‌شود مردم را با خبر سازد. در امور اقتصادی و سیاسی، چگونگی روابط بین‌المللی و در مورد خطر مداخله دول استعماری در امور مسلمین، به مردم آگاهی بدهد.

نماز جمعه و دو خطبه آن از موقعیت‌های عظمت‌آفرین برای مسلمانان است. همان‌طور که موافق حج و عید قربان و عید فطر اهمیت دارند. ولی متأسفانه مسلمانان از وظایف مهم سیاسی خود غفلت ورزیده‌اند. اسلام دین دنیا و آخرت و سیاست است و آن کس که پنداشته است دین از سیاست جداست، نه سیاست را فهمیده و نه اسلام را شناخته است.

اگر گاهی می‌بینیم بعضی از فقه‌های شیعه در مورد وجوب تعیینی نماز جمعه با احتیاط برخورد کرده‌اند شاید بتوان گفت جهت آن وجود شرایط سیاسی اجتماعی زمان بوده است. آنها می‌ترسیده‌اند بدین وسیله حکام جور از آن برای مقاصد خود بهره‌برداری کنند و آن را در اختیار خویش بگیرند که البته این عوامل از برکت انقلاب اسلامی ما بر طرف شده است.

نظریهٔ اعلام فقها در وجوب جمعه

بزرگان شیعه و فحول متقدمین تشیع با تأکید بر اساس آیات کریمه و آثار نبوی و

احادیث مأثور از ائمه بر وجوب جمعه رأی داده‌اند که از جمله آنهاست:

علامه محمدباقر مجلسی، حر عاملی در وسائل الشعیه جلد اول، علامه حلی در التذکره، محقق در المعبر، ابن فهد در المهدب، شیخ مفید در المقنعه، شیخ طوسی شیخ الطائفه در النهایه و تهذیب، شیخ محمد بن مکی شهید اول در الذکری، شیخ زین الدین شهید ثانی در رساله الجمع، کلینی در کافی در باب صلوة، شیخ صدوق اول در امالی، شیخ صدوق قمی رئیس المحدثین در من لا یحضره الفقیه، شیخ ابوالفتح کراجکی در تهذیب المسترشدین، شیخ عمادالدین طبرسی در نهج العرفان الی هدایة الایمان، بحرانی در حدائق، فیض کاشانی در وافی، سیدالمحققین سید محمد، صاحب «المدارک» در مدارک:

همگی سخن از وجوب نماز جمعه آورده‌اند و عده زیادی از آنها به وجوب تعیینی آن نظر داده‌اند.

اینک فتوای امام خمینی (ره):

خلاصه‌ای از احکام نماز جمعه

مسئله ۱ - نماز جمعه در زمان غیبت واجب تخییری است. توضیح اینکه در زمان حضور معصوم نماز جمعه واجب تعیینی است و خواندن نماز ظهر جایز نیست مگر برای افراد مخصوصی که بعداً گفته می‌شود و در زمان غیبت باز هم واجب است نه اینکه مستحب باشد. بلکه یک نماز در ظهر جمعه واجب است، نماز ظهر یا نماز جمعه که یکی از دو را باید انتخاب کرد. و انسان مختیر است بین به جا آوردن یکی از آنها و اگر نماز جمعه را اختیار کند افضل و ثوابش بیشتر است و بعد از خواندن آن واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند.

مسئله ۲ - نماز جمعه چنانچه بر اهالی شهرها واجب تخییری است بر اهالی قریه‌ها

و قصبات و چادر نشینان هم واجب تخیری است.

مسئله ۳ - دو خطبه مثل اصل نماز واجب است و نماز جمعه بدون آن تحقق نمی پذیرد و واجب است خطیب خطبه را ایستاده بخواند.

مسئله ۴ - کسی که نماز جمعه را اقامه می کند باید یا ولی امر (مجتهد جامع الشرایط که حاکم بر مسلمانان است) باشد یا از طرف ولی امر اجازه داشته باشد.

مسئله ۵ - نماز جمعه باید به صورت جماعت باشد فرأداً صحیح نیست و در جماعت هم به کمتر از پنج نفر مرد یعنی امام جماعت با چهار مرد دیگر صحیح نیست و اگر عدد هفت نفر و بیشتر باشد افضل و ثوابش بیشتر است.

مسئله ۶ - نماز جمعه دو رکعت است با دو خطبه. واجب است امام جمعه دو خطبه را قبل از نماز بخواند و اگر عمداً نماز را قبل از خطبه ها بخوند باطل است.

مسئله ۷ - نماز جمعه مثل نماز صبح است که با نیت نماز جمعه قربۀ الی الله خوانده می شود با این تفاوت که نماز جمعه دارای دو قنوت است: اولی قبل از رکوع رکعت اول و دومی بعد از سر برداشتن از رکوع رکعت دوم.

مسئله ۸ - بر چند دسته از مردم نماز جمعه واجب نیست اگرچه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام باشد ولی با اینکه بر اینها واجب نیست جایز است شرکت کنند و اگر حاضر شدند و نماز جمعه را خواندند نمازشان صحیح و کفایت از نماز ظهر می کند.

اینها عبارتند از: (۱) بچه نابالغ که نماز جمعه آنها مثل سایر نمازها اگرچه واجب نیست ولی اگر بخواند صحیح است. (۲) زنان که بر اینها واجب نیست ولی اگر حاضر شدند و بجا آوردند صحیح است و کفایت از نماز ظهر می کند. (۳) مسافر، البته مسافر می تواند اقتدا کند و نماز جمعه بخواند ولی نمی تواند امام جمعه باشد. (۴) نابینا. (۵) مریض.

(۶) پیرمرد. (۷) کسانی که فاصله محل زندگیشان تا جایی که نماز جمعه خوانده می شود بیش از دو فرسخ باشد (یعنی بیش از یازده کیلومتر. چون فرسخ شرعی

تقریباً پنج کیلومتر و نیم است).

مسئله ۹ - واجب است بین جایی که نماز جمعه خوانده می شود و جای دیگری که آنجا هم نماز جمعه می خوانند کمتر از یک فرسخ نباشد و اگر کمتر باشد هر کدام از دو نماز که جلوتر شروع شده صحیح و دیگری باطل است. (مراد از شروع، شروع در نماز است، نه خطبه و مراد از جای نماز، مسجد و جایگاه نماز است نه شهر و محل).

مسئله ۱۰ - واجب است امام جمعه بین دو خطبه مقدار کمی بنشیند بعد برای خطبه دوم بلند شود.

مسئله ۱۱ - واجب است امام جمعه و خطیب یک نفر باشد یعنی خطبه را همان شخصی بخواند که نماز را می خواند.

مسئله ۱۲ - واجب است امام جمعه خطبه ها را ایستاده بخواند و نشسته جایز نیست.

مسئله ۱۳ - شرکت کردن در نماز جمعه اهل سنت جایز و پسندیده است.

مسئله ۱۴ - حاضر نشدن به نماز جمعه از روی بی اعتنائی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جمعه را ترک کند.

مسئله ۱۵ - فاصله شدن بجهت ممیز اگر نمازش صحیح باشد اشکالی ندارد.

مسئله ۱۶ - غسل جمعه کفایت از وضو نمی کند و باید برای نماز وضو گرفت.

مسئله ۱۷ - لازم است نمازگذار، در موقع نماز حواسش جمع باشد و حضور قلب داشته باشد، در حال عبادت باید دل از غیر خدا بریده و توجه انسان به او باشد و بس.

مسئله ۱۸ - مستحب است حمد و سوره را در نماز جمعه بلند بخوانند و همچنین مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون خوانده شود.

مسئله ۱۹ - واجب است نمازگزاران به خطبه امام گوش دهند و صحبت کردن در

حالی که امام جمعه خطبه می‌خواند کراحت دارد و اگر صحبت کردن طوری باشد که مانع شود از شنیدن خطبه لازم است ترک شود.

مسئله ۲۰ - بنابر احتیاط سزاوار است شنوندگان در وقت خطبه روبه‌روی خطیب آرام بنشینند و سر و بدن خود را به اطراف حرکت ندهند و نشست و برخاست نمایند حتی با شنیدن اسم مبارک امام زمان علیه السلام هم خوب است بلند نشوند. و کسانی که دیر آمده‌اند و در وقتی وارد می‌شوند که امام مشغول خطبه است هرچاکه هستند بنشینند و گوش کنند و بعد از تمام شدن دو خطبه برای بجا آوردن نماز هر جا خواستند می‌توانند بروند البته حرکات مختصر عیبی ندارد و همچنین در وقت خطبه بنابر احتیاط سزاوار است از خواندن نماز و قرآن و دعا و هرچه سبب حواس‌پرتی خود و دیگران گردد و از شنیدن و فهمیدن خطبه مانع شود خودداری کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود به مدینه، سه‌کار را در اولویت قرار داد، ساخت مسجدی برای مسلمانان، ایجاد اخوت و برادری میان مهاجر و انصار و سوم نماز جمعه.

یکی از مهمترین کارهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بدو ورود به مدینه اقامه نماز جمعه بود.

پیامبر اسلام در نمازهای جمعه غالباً سوره جمعه و منافقون را قرائت می‌فرمودند. با توجه به محتوای دو سوره که در موضوع توحید و صفات خدا، نبوت، معارف متعالی اسلام، انسان متکامل، دشمن‌شناسی، ساده‌اندیشی و سطحی‌نگر نبودن مسلمان در مسائل سیاسی اجتماعی، و افشای منافقان می‌باشد.

در جمعه‌ها این دو سوره خوانده می‌شود تا مؤمنین با این معارف سازنده ساخته شوند. در مورد اینکه در نماز جمعه سوره جمعه و منافقون خوانده شود چند روایت

می‌آوریم:

۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده است قنوت در نماز جمعه پیش از رکوع است و در رکعت اول حمد و سوره جمعه، و در رکعت دوم حمد و سوره منافقون خوانده می‌شود. (۱)

۲- زرارہ از امام باقر علیه السلام نقل کرده است سوره جمعه و منافقون را بخوان که قرائت آنها در روز جمعه صبح هنگام و ظهر و عصر سنت نبوی است و برای تو شایسته نیست که در نماز ظهر یعنی روز جمعه، چه امام جماعت باشی و چه نباشی اینکه غیر این دو سوره را بخوانی. (۲)

۳- از پیامبر اسلام نقل شده است در نماز جمعه در رکعت اول سوره جمعه خوانده می‌شود برای تشویق مؤمنین و در رکعت دوم سوره منافقون برای طرد و افشای منافقین. (۳)

برای اینکه نمازگزار از جمعه بهره‌های وافیه را کسب کند باید به خطبه‌ها کاملاً گوش فرا دهد و توجه خود را در حال نماز به محتوای این سوره‌ها معطوف دارد.

۱- بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۱، به نقل از خصال صدوق.

۲- غلل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴، به نقل از بحارالانوار. ۳- بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۱۲.